

کتاب «یک صدف از هزار»

به چاپ هفتم رسید

کتاب «یک صدف از هزار» (مجموعه ۱۵ داستان کوتاه درباره زندگی حضرت علی (ع)) اثر مرتضی دانشمند در ۸۰ صفحه به همت مؤسسه بوستان کتاب به چاپ هفتم رسید.

امیرمؤمنان علی (ع) پیشوایی است که همه فضایل را در خود جمع کرده. آشنایی با گوشه‌ای از شخصیت او، هر انسان را شیفته خود می‌کند. از آنجا که همه انسان‌ها از کودک تا بزرگسال به چنین اسوه‌هایی نیاز دارند، باید در شرح این فضایل در همه قالب‌ها کوشید.

اثر حاضر در قالب داستان، اندکی از این رسالت را به دوش گرفته است. عناوین داستان‌های این اثر عبارت است از: باور نمی‌کنی ابوطالب، در یک قدمی خطر، امشب مرا می‌کشند، ناچارم کودک را نصف کنم، باشکوه‌ترین شب زندگی، سرهای تان را به سوراخ ببرید!، یک جمجمه و دو سنگ، دستی که بریده نشد، ۱۷ شتر و سه برادر، ماه بود و مهتاب، هشت نان و سه گرسنه، برای چه نبرد می‌کنیم؟، یک صدف از هزار، خشم رود و دوستت دارم.

برشی از اثر

برای چه نبرد می‌کنیم؟

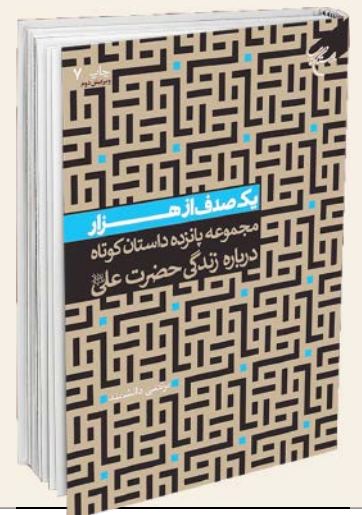
میدان نبرد پر بود از گردوغبار. ستون‌های غبار از زمین به آسمان برمی‌خاست. هوا تیره و تار بود. هر لحظه شمشیری از غلاف بیرون می‌دوید. در هوا چرخ می‌زد و سربازی بر زمین می‌افتاد. صدای شیعه اسب‌ها و لوک شترها یک لحظه قطع نمی‌شد. در گرما گرم نبرد، حضرت علی (ع) شمشیر را به زمین تکیه داد، دست را سایبان صورت کرد و نگاهی به آسمان انداخت. کوره داغ خورشید به میان آسمان رسیده بود. ابن عباس نگاهش به حضرت علی (ع) افتاد که دست از جنگ کشیده بود. با تعجب پرسید: چرا به خورشید نگاه می‌کنید؟ دنبال چه می‌گردید؟

– می‌خواهم ببینم وقت نماز رسیده است تا نماز بخوانم.

ابن عباس با تعجب بیشتر پرسید: در این گیرودار جنگ، چه وقت نماز خواندن است.

حضرت علی (ع) فرمودند: ابن عباس، ما برای چه نبرد می‌کنیم. مگر نه این است که جنگ ما با آنها برای این است که نماز برپا شود؟

حجت‌الاسلام مرتضی دانشمند، نویسنده و شاعر کودک و نوجوان و پژوهشگر قرآنی، متولد اول خرداد ۱۳۳۷ در شهر «دیزچه» در جوار زاینده‌رود چشم به جهان گشود و تا سوم دبستان را در زادگاهش گذراند.



گفت‌وگو با نویسنده کتاب

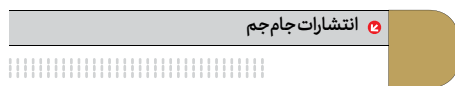
هر گوشه از این

مستندنگاری داشته باشد باید سوزهای فراتر از خود سفر پیدا کند چرا که سفر دیگر خودش سوژه نیست. اگر بنا باشد من سفرنامه بوموسی بنویسم مطمئنم با جست‌وجویی ساده در اینترنت می‌شود به یک سفرنامه تصویری از بوموسی رسید و اگر هم الان این امکان نباشد در سال‌های آینده هزاران سفرنامه تصویری از بوموسی داریم که کاربران شبکه‌های اجتماعی آنها را تهیه کرده‌اند و مخاطب هم می‌تواند به جای خواندن کتاب آنها را ببیند. در آینده هم اگر بخواهم کار مستندنگاری بر مبنای موقعیت جغرافیایی انجام دهم، حتماً سفرنامه نخواهد بود و حتماً سوزهای خواهد داشت که در حاشیه آن سوز به سفرنامه و موقعیت جغرافیایی هم بپردازیم اما سوز چیز دیگری خواهد بود. درباره این کتاب هم همین‌طور تصمیم گرفتیم که در بستر سفرنامه به تاریخ اجتماعی این جزایر بیشتر بپردازیم. بنابراین شاید ۲۰ تا ۳۰ درصد کتاب را سفرنامه تشکیل بدهد.

۴ شما در کتاب تان روی واژه «بوموسی» تاکید دارید.

دلیل این تاکید چیست و بوموسی با ابوموسی چه فرقی می‌کند؟

واژه بوموسی واژه‌ای است که مردم این جزیره می‌گویند و در واقع اسم این جزیره است. این واژه در واقع یا بوم سبز یا بوموسی بوده است. بوم سبز در گویش جنوبی «بوم سو» تلفظ می‌شود و احتمالاً بوموسی هم از این «بوم سو» آمده است. حالاً هم اگر پوشش گیاهی این جزیره را با قشم و کیش مقایسه کنیم، می‌بینیم پوشش متراکم‌تر و سبزتری دارد. در قدیم هم از دور در دریا یک تپه سبز دیده می‌شده و یک بوم سبز بوده و به همین دلیل است که ساکنان سواحل جنوبی خلیج فارس در بازه‌هایی از سال دام‌های شان را برای چرا به این جزیره می‌آوردند. احتمال ضعیف‌تری هم وجود دارد که بوم در گویش محلی به معنی لنج است. لنج موسی فارسی است. جالب است بدانید گویش بندری هم یکی از اصیل‌ترین گویش‌های زبان فارسی است که می‌شود گفت کمتر واژه دخیل از سایر زبان‌ها دارد. در حالی که اینجا گذرگاه بوده و از آفریقا و کشورهای دیگری به آن رفت‌وآمد داشتند اما این گویش خیلی اصالت دارد. بوموسی فارسی است و اگر شما نگاهی به اسم‌های جزایر خلیج فارس بیندازید، می‌بینید جزایر نزدیک این جزیره هم اسم‌های شان فارسی است. همان‌گونه که «تنب» در گویش جنوبی به معنی تپه است. حتی در نقاط جنوبی‌تر نزدیک ساحل امارات ما جزایر اماراتی را داریم که اسمش زکوه یا آریانا است. یعنی اسم جزایر خلیج فارس هم فارسی است. بوموسی در زبان مردم عرب آن منطقه چون شبیه بوموسی بوده معمول است. در لهجه خلیجی و عراقی فرقی بین «ابو» و «بو» نیست و آنها این «بو» را به معنی پدر گرفتند و شده است بوموسی. نکته دیگری که وجود دارد این است که بوموسی اسمی است که در نقشه‌های بین‌المللی ثبت شده و ما قصد نداریم در نقشه‌های بین‌المللی دست ببریم و اگر بخواهیم در نقشه‌های بین‌المللی دست ببریم و بگوئیم به جای بوموسی بگوئید ابوموسی این یک باب می‌شود و آنها هم می‌خواهند بگویند به جای



انتشارات جام جم

«ایران نرسیده به امارات»؛ عنوان کتابی است که در آن به خلیج فارس و جزایر سه‌گانه‌اش می‌پردازد. با شنیدن نام خلیج فارس ناخودآگاه عرق ملی‌مان تحریک می‌شود و رگ‌گردن‌مان بیرون می‌زند. برای حفظ وجب به وجب این سرزمین و این آب‌های نیلگون از گزند اشغالگران و بدخواهان سال‌های سال مبارزه شده و خون‌های پاک هزاران تن از جوانان و مردان و زنان این سرزمین بر زمین ریخته شده است. این کتاب روایتی از سفر به بوموسی است. روایتی که یک سفرنامه صرف نیست و با سفری در دل تاریخ و استناد به اسناد و روایات مستند می‌کوشد تا مخاطبش را با بخشی از تاریخ این سرزمین آشنا کند. ایران نرسیده به امارات در ۱۸۴ صفحه از سوی انتشارات جام جم روانه بازار نشر شده است. سراغ علیرضا راقتی، نویسنده کتاب رفتیم و با او درباره بوموسی، خلیج فارس و عرق ملی‌مان به این خطه جنوبی کشور به گفت‌وگو نشستیم.

۴ طی سال‌های اخیر حساسیت روی مسأله خلیج فارس بیشتر و جدی‌تر شده و حالا کمتر فرد ایرانی است که روی این ماجرا احساس عرق ملی نداشته باشد. چه شد که این کتاب را نوشتید؟

بحث داغ شدن مسأله جزیره‌های سه‌گانه دلایل سیاسی دارد اما مسأله نوشتن یک کتاب درباره بوموسی و جزایر سه‌گانه صرفاً پرداختن به یک گوشه از خاک ایران بود. هدف ما این نبود که اثبات کنیم این جزایر ایرانی هستند بلکه می‌خواستیم مردم بیشتر با این مناطق آشنا شوند و آن را به عنوان یک مقصد گردشگری انتخاب کنند. چون مسئولان هم به این نتیجه رسیدند که باید این رویکرد باشد و گردشگری شود به امنیت جزیره و تمامیت ارضی آن کمک می‌کند. هدف ما این بود که بوموسی را به عنوان یکی از جزایر خلیج فارس معرفی کنیم که حالا یک تاریخ پرفراز و نشیبی هم دارد. ما به خرمشهر به عنوان جایی که اشغال و برایش خون ریخته شده، می‌پردازیم اما هیچ‌گاه به جزیره بوموسی نمی‌پردازیم. در حالی که جزیره‌ای است که نزدیک به صد سال در اشغال بوده و برایش تلاش‌های دیپلماتیک و نظامی شده است. بنابراین بیشتر می‌خواستیم از این منظر به جزایر بپردازیم.

۴ کتاب شما سفرنامه صرف نیست و روایت‌های تاریخی را هم چاشنی آن کرده‌اید و با خواندن کتاب اطلاعات تاریخی خوبی به خواننده می‌دهید. چقدر ذکر این روایت‌های تاریخی را در کتاب ضروری می‌دانید و اگر نبود آیا یک سفرنامه صرف می‌توانست اثرگذاری مدنظر را داشته باشد؟

از نگاه من سفرنامه نویسی به شکل سابق دیگر کارکردی ندارد. به خصوص با وجود سوشال مدیا و گستردگی شبکه‌های اجتماعی و اینترنت دیگر سفرنامه صرف به این معنی که نویسنده بخواهد سفرش را روایت کند، دیگر جایی ندارد. الان اگر قرار است نویسنده‌ای از یک موقعیت جغرافیایی

